

علوی

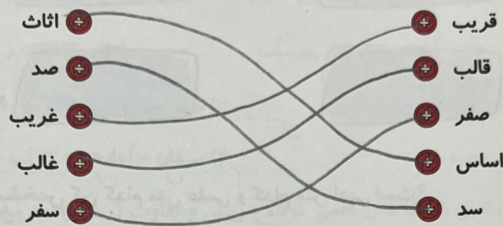
پ: حروف مناسب را در جاهای خالی قرار بده و کلمه‌ی کامل را بنویس.

ح ط ز ذ
ه س ج غ
ص ث ظ ق

معن...رت: (حضرت) حد...: (حدس)
...صاکم: (حاکم) زاع...کی: (زاعلی)
...پوش: (پوش) چ...ور: (چطور)

تمرین

۱ کلمات هم‌آوا را به هم وصل کن.



۲ درستی ☒ و نادرستی ☒ جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آن‌ها را بنویس.

الف: «غضبناک» به معنی «خشمناک» است. ☒

ب: چشم راست الاغ کور بود و پای چپش می‌لنگید. ☒ راستی

پ: با توجه به ترتیب حروف الفبا، کلمه‌ی «حدس» قبل از واژه‌ی «حاکم» قرار می‌گیرد. ☒

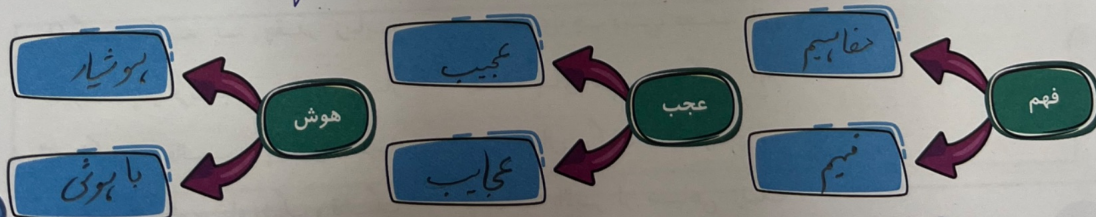
ت: دو واژه‌ی «خواسته» و «خواست» هم‌آوا هستند. ☒

ث: شیشه از برخورد سنگ و ریزش شد و به اطراف پاشید. (خورد - خرد) ☒

۳ جدول زیر را مانند نمونه کامل کن.

شکل کامل	روباه	راه	دهان	گونا...
شکل کوتاه	روبه		تبدی	کوته

۴ برای هر کلمه، دو هم‌خانواده بنویس.





الف: دانش آموز عزیز با توجه به متن درس «راز نشانه‌ها، جاهای خالی را با کلمات مناسب تکمیل کن. سپس از روی متن کامل شده به دوستت املا بگو.

مردی یک کلبه... گندم بر پشت الاغش گذاشته بود و به... می‌برد، در
راه به... رسید؛ الاغ را به... بست و به... رفت، وقتی
بیرون آمد الاغش نبود؛ در حالی که به دنبال الاغ می‌گشت، چشمش به... افتاد؛ از
او پرسید: «الاغ مرا ندیدی؟»
پرسید: «همان که چشم... کور بود پای... می‌لنگید و بار گندم
می‌برد؟» شد و گفت: «نشانه‌هایش درست است. آن را کجا دیدی؟»
جواب داد: «من، الاغی ندیدم.»
مرد... شد و... را پیش... برد.
گفت: «جان! اگر تو الاغ را ندیده‌ای،...
نشانی‌هایش را دادی؟»
گفت: «من فقط خوب... کردم و به آنچه دیدم، کمی اندیشیدم.
سر راهم... پای الاغی را دیدم که از اینجا گذشته لنگ بوده است. ...
سمت... جاده خورده شده بود؛ اما... طرف... دست
نخورده مانده بود. از اینجا فهمیدم که الاغ... سمت... را ندیده است.
به همین دلیل... زدم، چشم... کور بوده است. از دانه‌های گندمی هم
که روی زمین ریخته بود، فهمیدم بارش گندم بوده است.»
... به هوش و... آفرین گفت و مرد از او... خواست.

ب: در جاهای خالی کلمه‌های مناسب قرار بده.

- (۱) پرستوها در... طولانی خود با خطرهای زیادی روبه‌رو می‌شوند. (سفر - صفر)
- (۲) انجام کار نیک... دارد. (ثواب - صواب)
- (۳) کنار هر گل زیبایی... می‌روید. (خوار - خار)
- (۴) او دوستان... را فراموش نکرد. (خویش - خیش)
- (۵) شیشه از برخورد سنگ... و ریزش شد و به اطراف پاشید. (خورد - خرد)



راز نشانه‌ها

ماجرا از این قرار است که مردی الاغش را گم می‌کند. درحالی‌که به دنبال الاغ می‌گشت چشمش به پسری می‌افتد از او می‌پرسد که الاغ مرا ندیدی؟
پسر با این که الاغ را ندیده تمام نشانی‌های الاغ را به پیرمرد می‌گوید ...

ادامه‌ی ماجرای داستان راز نشانه‌ها را با دقت در کتاب فارسی‌ات بخوان و از آن لذت ببر.
چه نتیجه‌ای گرفتی؟ به نظر تو چگونه می‌توانیم رفتار پسر باهوش را در زندگی خود به کار ببریم؟
آرزو قضاوت کنیم. به «و رو اطرافمان حیرت‌انگیز کنیم»

بخوان و بدان

کلمات هم‌آوا

در زبان فارسی بعضی از کلمه‌ها مانند هم خوانده می‌شوند، اما در نوشتن و معنی با یکدیگر تفاوت دارند. به این کلمه‌ها هم‌آوا، می‌گویند؛ مانند:

اثرات ← وسایل خانه اساس ← پایه	خان ← رئیس خوان ← سفره	حیات ← مخوطه‌ی خانه حیات ← زندگی	خار ← تیغ خوار ← حقیر
ثواب ← پاداش صواب ← شایسته، درست	سد ← مانع صد ← عدد ریاضی	قالب ← شکل غالب ← غلبه‌کننده	

برای املاي این کلمات باید به معنی آن‌ها در جمله توجه کنیم؛ مانند:

★ مادر بزرگ حیات را آبیاشی کرد.

★ همه‌ی موجودات در حال حیات، خدا را شکر می‌کنند.

متن علمی و ادبی

متن علمی: متنی است که درباره‌ی موضوع، توضیح علمی می‌دهد و تمام ویژگی‌ها و خصوصیات و علت‌های آن موضوع را بیان می‌کند و پایه و اساس آن علمی و مستند است.

متن ادبی: متنی است که به زیبایی‌های یک موضوع اشاره دارد و برای نوشتن آن می‌توان از خیال و تصور خود استفاده کنیم و در آن زیبایی‌های ادبی مثل جان‌بخشی، تشبیه، ضرب‌المثل و ... به کار برده می‌شود.

«راز نشانه‌ها»

آموختنی‌ها

۱. نقش تکرار در حل مسائل و مشکلات اجتماعی
۲. کاربرد کلمات هم‌آوا
۳. آشنایی با متن علمی و ادبی
۴. اجزای مختلف شعر



جعبه‌ی کلمات

کلمات مترادف

آواز: بانگ، نغمه	خوش‌خوان: خوشی آواز	حیات: زندگی
حدس: گمان	طعمه: خوردنی	پرفریب: بسیار حيله‌گر
می‌لنگید: لنگان لنگان راه می‌رفت	جست: پرید	بگشود: گشود، باز کرد
قالب: قفسه	حاکم: قاضی	اثاث: وسایل، ابزار
زاغ: زلغ کوچک	برگرفت: برداشت	خوار: حقیر
معذرت‌خواهی: عذرخواهی	روبهک: روباه کوچک	قضا: سرنوشت، تقدیر
حیلت‌ساز: مکار	اساس: پایه، بنیان	
آسیاب: درگاه خرد کردن	خار: تیغ	

کلمات متضاد

سیاه ≠ سفید	آشکار ≠ پنهان	کور ≠ بینا
درست ≠ غلط	راست ≠ چپ	خوب ≠ بد
خوشحال ≠ ناراحت	کم‌تر ≠ بیش‌تر	

کلمات هم‌خانواده

حاکم، حکم، محکوم	معذرت، عذر، عذرخواهی	حیلت، حيله، حيله‌گر
گود، گودی، گودال	طعمه، طعام	فريب، فريبنده، فريبکار